

ایران

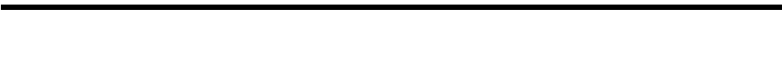
صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: مهدی شفيعی
سر دبیر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۳/۰۳ | اذان مغرب ۲۰/۰۱ | نیمه شب شرعی ۰۵/۱۸ | اذان صبح فردا ۴/۵۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۳

امام‌علی علیه‌السلام:

بر دباری آتش خشم را فرو می‌نشانند و تندی آن را شعله ورتر می‌کنند.

سخن روز
تصنیف غرالحکم‌ودر الکلم ص ۲۸۷،ح ۶۴۵



نگاره

سپهیل محمدی



لزم توجه به هنرمندان حوزه نمایش در روزهای

صورت‌هایی که با سلیی سرخ می‌شوند

از بسیاری هنرهای دیگر بیشتراست و حتی آن را با کار در معدن مقایسه می‌کنند اما کمتر کسی از خودش می‌دنبال می‌کنم و بدون شک، در کنار دغدغه وجود و شیوع این ویروس که جان صدها نفر از هموطنان ما را گرفته و هزاران نفر را هم مبتلا کرده، دغدغه مسائل صنفی کار خود را هم دارم. ارتباط من با محیط بیرون ازطریق فضای مجازی

است و همانطور که گفتم بیش از چهل روز است در قرنطینه هستم. این مدت به نوعی زندان انفرادی را تجربه کردم و خودم را مشغول کارهای عقب افتاده کردم. کتاب‌هایی خواندم که خواندنشان ضروری بود و فرصت پیش نیامده بود و از طرفی دیگر از آنجا که کلاً آدم امیدواری هستم، به آینده فکر کردم و کارهایی که باید انجام بدهم. با این اوصاف یک نگرانی بزرگ برای بچه‌های تئاتر تمام این روزها با من بوده است. آنها این روزها واقعاً شرایط سختی را سپری می‌کنند و با توجه به اینکه تمامی اجراها تعطیل است، طبیعتاً آنها علاوه بر در خانه ماندن، مسأله بیکاری را هم تجربه می‌کنند که برایشان به لحاظ مادی واقعاً سنگین است. گمان نشود که همه آنها که در حوزه تئاتر (در هر بخش آن) فعالیت می‌کنند از جمله هنرمندان درگیر تئاترهای لوکس ولاچگری هستند؛ این قشر شاید به یک درصد هم نمی‌رسد و ۹۹درصد دیگر، هنرمندانی هستند که هیچ درآمدی جز همین آب باریکه تئاتر ندارند. قبل از شیوع ویروس کرونا هم تئاتر، با اینکه زحمت هنرمندانش

حرف روز



هادی مرزبان
نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر

ویژه برنامه‌های گرامیداشت روز سعدی

سعدی خوانی در خانه‌ها

هر سال همزمان با یکم اردیبهشت ماه، مصادف با روز سعدی شاهد برگزاری ویژه برنامه های داخلی و خارجی متعددی از سوی مرکز سعدی شناسی و با همکاری برخی ارگان ها و نهادهای بودیم که امسال به دلیل شرایط خاصی که نگرانی از ابتلا به بیماری کرونا ایجاد کرده ممکن نشد.

با این حال تصمیم به برگزاری این برنامه‌ها به شکلی دیگر و در فضای مجازی گرفتیم که از طریق سایت مرکز سعدی شناسی و صفحه اینستاگرام برای مخاطبان پخش خواهند شد. به دنبال برخی هماهنگی ها، اجرای برنامه های مختلفی را در نظر گرفته ایم و افتتاحیه آن ساعت ۱۲:۳۰ (سی و یکم فروردین ماه) در آرامگاه سعدی خواهد بود که به شکل زنده برای مخاطبان هم پخش می شود. آغازگر سلسله‌برنامه‌های این مراسم با غزل خوانی‌هایی از سعدی و پخش قطعات موسیقایی و همچنین سخنرانی‌های کوتاه همراه خواهد بود. طی هفت روز نخست اردیبهشت ماه، شاهد اجرای برنامه‌هایی با نام هفت روز با سعدی هستیم. همزمان با این سلسله برنامه ها، ویژه برنامه ای با عنوان هفت روز همراه با سعدی و سپهر هم برگزار می شود. نکته جالب توجه دیگر درباره برنامه های امسال، پخش پیام های تصویری چهره های مطرح فرهنگ و ادب کشورمان درباره سعدی است که از جمله آنان می توان به محمود دولت آبادی، اصغر دادبه، جلال الدین کزازی، شمس

قادر آشنا: مسئول بررسی زبان ها را

انتخاب کردیم

اتابک نادری را به‌عنوان مسئول بررسی شرایط‌و‌ضرر وزیران‌های‌گروه‌ها و تماشاخانه‌های‌خصوصی در وضعیت کرونایی پیش آمده انتخاب کردیم تا این بررسی به‌صورت یکپارچه و در ارتباط‌منسجم با معاونت‌هنری، اداره کل هنرهای نمایشی، تماشاخانه‌ها و گروه‌های تئاتری در سراسر کشور انجام‌شود.

توضیح مدیر کل هنر های نمایشی در باره بررسی زبان مالی گروه‌ها و تماشاخانه‌ها

نگاه روز

مصطفی

رحماندوست

شاعر و نویسنده

هنوز توصیه‌ها به قرنطینه خانگی شروع نشده بود که به همراه خانواده، تهران را به مقصد منطقه ای آرام و به دور از دغدغه های شهرهای بزرگی همچون تهران ترک کردیم. تراکم جمعیت اینجا آنقدر پایین است که تا قبل آنکه چند روز قبل بخواهم به قصد خرید گل و گیاه برای باغچه کوچک مان قدم به شهر بگذارم متوجه قرنطینه و اجبارهای آن نشده بودم. اینجا را گفتم که بدانید شاید کارهایی که من طی روز انجام می دهم برای همه امکان پذیر نباشد؛ با این حال شاید بد نباشد که تجربه های به ظاهر ساده این روزهای مان را با همدیگر به اشتراک بگذاریم.

برویم سراغ یکی از روزهای عادی زندگی من. اغلب صبح‌ها بعد از نماز صبح دیگر نمی‌خوایم؛ اینجا هوا کمی سردتر از تهران است و البته بسیار خلوت. بنابراین کمی قدم‌زدن بعد اول صبح مشکلی از نظر قرنطینه‌خانگی ایجاد نمی‌کند. اینجا به ندرت کسی را در خیابان می‌بینید؛ حتی قبل‌تر هم به همین منوال بود. در بازگشت به خانه صبحانه‌ای برای خانواده که هنوز خواب هستند درست می‌کنم. بعد از آن نوبت به باغچه می‌رسد که کارم را از سنگ چینی اطراف آن شروع کردم؛ باغچه بزرگی نیست منتها به یکی از سرگرمی‌های روزانه‌ام تبدیل شده و پر است از حس زندگی. بعد از ظهرها هم به خواندن و نوشتن می‌گذرد با این حال از ساعت‌ها نوشتن هیچ‌اصراری به این‌که حاصل کار حتماً شعر یا داستان خاصی شود ندارم؛ اصلاً اگر قرار باشد اینگونه به نوشتن نگاه کنم حتم دارم هیچ‌گاه کاری رضایت‌بخش نمی‌شود و تمام لذت آن به استرس و نگرانی تبدیل می‌شود؛ اتفاقی که از آن پرهیز می‌کنم. اینجا را

سیروس مقدم: یا تخت

نیازی به بی‌ادی ندارد

تلاش کردیم که شوخی‌های کلامی و رفتاری کاراکترها مرکز سمت لودگی بایی ادبی یا حرف‌های تومین آمیز و غیراخلاقی نرود. یا تخت اساساً برای جذب مخاطب احتیاجی به این‌گونه روش‌ها و موقعیت‌ها ندارد. نه محسن تانابنده اعتقادی به این فرم نمایش کم‌دی دارد نه بنده.

بخشی از گفت‌وگوی کارگردان

«یا تخت» با روزنامه اعتماد

پیشنهادهایی برای زندگی شیرین‌تر در روزها و شب‌های قرنطینه

بگذارید بچه‌ها برای تان قصه بگویند

گفتم که بگویم همه ما حتی آنهایی که همچون من شرایط زندگی در جایی خلوت دارند یا محدودیت‌های مختلفی برای جلوگیری از انتشار این ویروس روبه‌رو شده ایم. با این حال همین ضرورت خانه‌نشینی هم آنقدرها که به نظر می‌رسد تلخ نیست؛ قبول دارم که موانع متعددی در زندگی عادی مان ایجاد کرده اما فرصتی هم برای ما هم بودن مان است. از آنجایی که حوزه کاری‌ام گروه سنی کودک و نوجوان است بد نیست حاصل بخشی از تجربه‌کار برای بچه‌ها را با شما در میان بگذارم و پیشنهادی برای پدران و مادران داشته باشم؛ قرنطینه خانگی در کنار همه مشکلاتی که به دنبال آورده یک خوبی مهم هم دارد؛ مزایایی ایجاد شده تا اعضای خانواده بیش از قبل کنار یکدیگر باشند. شاید والدین نگران باشند که حالا چکار کنیم تا فرزندانمان سرگرم شوند و بگویند: «وای ما چقدر کار داریم!» من نظر دیگری دارم و معتقدم که این شما پدر و مادرها هستید که این روزها به این‌ان نیاز دارید! شما هستید که به شناخت فرزندتان نیاز دارید؛ کاری که فرصتی برای آن نداشته‌اید. بنشینید با هم حرف‌بزنید و ببینید فرزندتان، دنیا، تنهایی و... حتی خود شما را چطور می‌بیند. این بار اجازه بدهید بچه‌ها برای شما قصه بگویند. به شما قول می‌دهم اگر چنین کار انجام بدهید آن وقت است که بگویند: «چه دنیای عجیبی در کنارمان بوده و از آن بی‌خبریم!» یا یکدیگر آشپزی کنید، خط بنویسید و کارهایی را انجام بدهید که به شما اجازه شناخت بیشتری می‌دهد. خود من سال‌هاست زندگی را بر این روال گذرانده‌ام، شاید باورناتان نشود اما همین

چرا «زنان کوچک» جدید از بهترین پیشنهادهای سرگرم شدن برای این روزهاست؟

روایتی مدرن از یک داستان کلاسیک

■ جدا از بازی‌های ساختاری گروپک او در روایتش هم قصه را تا حدی زیادی به روز کرده است. با اضافه کردن مقداری شوخ‌طبعی به خصوص از طرف عمه مارچ، روحیه شوخ و شنگ مادر خانواده با بازی لارا درن که در نسخه‌های قبلی بیشتر شبیه یک راه‌بره بود و البته باز هم بیشتر از همه جو مارچ وقتی جلوی ناشر می‌نشینند و او عقایدش می‌گوید و برای حق و حقوقش دفاع می‌کند. اصلاً پایان فیلم خیلی به روز است. جایی که با کتاب تفاوت فاحش دارد. جو مارچ جلوی ناشر نشست و ناشر از او می‌پرسد که در نهایت دختر قصه‌اش با چه کسی ازدواج می‌کند و جو اصرار دارد که او مجرد می‌ماند مگر این که ناشر پول بیشتری به او بدهد. هم شوخ‌طبعانه و مفرح است و هم اگر قرار به جنبش عدم تعیض جنسیتی باشد یکی از بهترین سکانس‌های این سال‌ها از طرف زنی که می‌خواهد رها بماند و اگر قرار است تسلیم نظر اجتماع شود باید هزینه‌اش را به او برپا دارند. و چقدر عجیب که گرتا گروپک برنده بهترین فیلمنامه اقتباسی نشد چون اقتباس او کاری سهل و ممتنع بوده است. از زوی یک داستان کلاسیک ساده روایتی جذاب ارائه داده که در دل شخصیت‌هایش پیچیدگی‌های انسانی را خیلی خوب تصویر می‌کند.

■ آن چیزی که «زنان کوچک» را تبدیل به یکی از فیلم‌های دوست‌داشتنی سال گذشته می‌کند جو و اتمسفری است که گروپک موفق شده به وجود بیاورد. با قاب‌های خوش آب و

رنگ، گروه بازیگرانی که با اما و سون کمتر اما بقیه‌شان به شدت کاریزماتیک و دوست‌داشتنی هستند. و تفسیر و نگاه جدید از قصه‌ای کلاسیک که بارها شنیده‌ایم ولی این‌بار گروپک به عنوان قصه‌گو آن را طور دیگری برایمان تعریف می‌کند. جوژی که تا قبل از این نشنیده‌ایم، و البته فیلم یک کاراکتر درجه یک به سینما هدیه می‌دهد. خانم جو مارچ با بازی درخشان سرشا رونان. نمادی از همه آن چیزهایی که زنان هالیوود در سال‌های اخیر می‌خواهند ادایش را دربریاورند و حدود ۱۵۰ سال پیش لوئیزا می. آلکوت در کتابش چنین زنی را تصویر کرده و حالا گروپک برداشت‌های روشنفکرانه و به روز خودش را به آن اضافه کرده و سرشا رونان هم بهترین تصویر را از او ارائه داده است. زنی محکم، احساساتی، جاه‌طلب، زنی که می‌تواند دنیا را فتح کند. زنی که مهم نیست چند نفر عاشقش باشند اوست که در نهایت انتخاب می‌کند چه کسی کنارش بماند.



و هم در ساختار فیلم مدرن‌تری بسازد که تماشاای آن خسته‌کننده نیست. ■ شکست زمانی و رفت و آمد بین زمان حال و گذشته بهترین تمهید کارگردانی گروپک در فیلم است. باعث شده واقعاً فیلمی متفاوت از آن «زنان کوچک» همیشگی ببینیم. گروپک خیلی خوب از تقطیع زمانی استفاده کرده. به روشی که انتظارتان را نداشتیم و به این ترتیب به آن روایت کلاسیک به اصطلاح تاج شخصی خودش را بخشیده است. نقطه کات‌ها برای رفتن به زمان گذشته هوشمندانه و با حساب و کتاب است. مثلاً وقتی جو کنار بستر خواهرش است انگار برایش همین اتفاق در گذشته تداعی می‌شود و به عقب برمی‌گردیم. یا صحنه دیندیش کات می‌شود به دویدن در سال‌های گذشته. اصلاً یکبار دیگر نگاه کنید به دوینده‌های جو مارچ با آن حالت سرافراز سرشا رونان که چه حس خوبی دارد. حس انسانی رها از قید و بندهای محدودکننده آن زمان که می‌خواهد راه خودش را پیدا کند.



انیمیشن کوتاه «ملکوت» ساخته فروش عابدی در جشنواره بین‌المللی فیلم داوینچی (DIFF) آمریکا به نمایش درمی‌آید. در بیانیه این جشنواره آمده است: «لئوناردو داوینچی مظهر ذهن و آگرا و خلاق بود. بنابراین ما قصد داریم تادر جشنواره خود بسیاری از موارد مشابه را بشناسیم. خلاقانی که مرزها می‌شکنند و ما را به دنیاهای جدید سوق می‌دهند.» «ملکوت» داستان عجیبی دارد؛ بیانیه‌ستی که دستان خود را در ازای جان همسرش به مرگ می‌دهد.

عکس

نوشت

...

مصوبات چهارمین جلسه کارگروه بررسی آسیب‌های کرونا در سینما

به گزارش روابط عمومی سازمان سینمایی، در کارگروه بررسی آسیب های کرونا در سینما، مدیرعامل صندوق اعتباری هنر گزارشی از روند اعطای وام ۱۰ میلیونی به ازای هر پرده به سینماها ارائه کرد و در خواست، ۵۰ سینما شامل ۱۰۵ پرده برای دریافت این وام قرض الحسنه خبر داد و قرار شد درخواست‌ها صرفاً تا ضرب الاجل تعیین شده تا پایان فروردین ماه پذیرفته شود. همچنین مصوب شد با توجه به مجوز ریاست هیأت امنای بنیاد سینمایی فارابی مبنی بر تخصیص نیمی از مطالبات وصول شده بنیاد در فروردین و اردیبهشت ماه به کارگروه کرونا، پیگیری های لازم معمول تا بین سینماگران و فعالیبت های آسیب دیده توزیع شود. از دیگر مصوبات این جلسه می توان به راه اندازی سامانه ای در راستای مصوبه دولت به منظور ثبت درخواست حمایت فعالان سینمایی که دچار آسیب شده اند، اشاره کرد. این سامانه از روز دوشنبه فعال می شود و کلیه فعالان حوزه سینما که متقاضی حمایت هستند می توانند درخواست خود را از طریق سامانه ارسال کنند. تعیین اولویت ها و میزان حمایت با توجه به اطلاعات دریافتی به تصویب کارگروه خواهد رسید.

دیروز بداهه قصه ای برای نوه هایم گفتم و بعد هم آن را نوشتم. این شناخت راه را برای آرامش خودتان بازمی‌کند؛ تعامل با بچه‌ها آرام بخش است؛ اتفاقی که حتی بسیاری از والدینی که با شوق بچه دار شده‌اند آن را حس نمی‌کنند. در آخر بگذارید گلایه ای هم از مسئولان داشته باشم. این روزها اغلب اهالی رسانه به سراغ ما اهالی فرهنگ می‌آیند تا توصیه یا تشویقی برای این مردم داشته باشیم. کار خوبی است، اما ای کاش فقط به مواقع بحرانی محدود نشود. من به کار دوستان رسانه ای خرده نمی‌گیرم، آنها هم کاری که می‌دانند حال مردم را بهتر می‌کند انجام می‌دهند اما خطاب گفته‌هایم به مسئولان است. آنان که می‌دانند گفته‌های اهالی فرهنگ و هنر در مقایسه با خودشان شنونده بیشتری از مردم پس چرا در ایام عادی سال سراغی از ما نمی‌گیرند؟ زمانه به گونه ای شده که دیگر خیلی از تربیون های قدیمی و سنتی اثرگذاری خود را برای انتقال پیام به مردم از دست داده‌اند. ای کاش مسئولان وقتی این روزهای قرنطینه به پایان رسید باز هم یادشان باشد که در درجه فرهنگ قادر به کارهای اثرگذارتری هستند. دیگر وقت آن رسیده که به جای مانع تراشی هایی که به امروز و دیروز هم محدود نمی‌شود کاری اساسی برای پیشبرد فرهنگ در تمام زیرشاخه های آن انجام شود؛ تنها در چنین صورتی است که می‌توان به رشد و توسعه دیگر بخش‌های کشور هم امیدوار شد.

شهروند

مجازی

یگانه خدایمی

هشتگ

#جوجه_

کشی

فیلمی که از زنده به گور کردن جوجه‌های یک‌روزه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد موجی از خشم و ناراحتی و سؤال ایجاد کرد. دلایلی مانند تنظیم بازار و گرانی غذای طیور برای این‌کار ذکر شد اما بسیاری از کاربران می‌پرسند که راه‌حل دیگری برای این مشکلات نبود؟ البته کاربرانی هم می‌گویند این کار همیشه انجام می‌شود و این بار رسانه‌ای شده است: «میلیون‌ها جوجه را زنده به گور می‌کنند تا قیمت مرغ بالا برود. انسان بدترین موجودی است که با پر روی کره خاک گذاشته، کاش چاله ای برای دفن کردن خود انسان وجود داشت.» «در جنوب تهران صد و پانزده میلیون جوجه زنده یک‌روزه و دو‌روزه برای تنظیم بازار معدوم شدند. چنین جنایتی و موارد مشابهی از گذشته‌ها، در دنیای مدرن و اقتصاد مدرن برمی‌آید.» «بابای من تحصیلات و کارش پرورش و تغذیه طیوره میگه این جوجه‌ها از نژاد تخم‌گذار و جنسیت نر هستن و کشتن‌شون یک چیز متداوله چون ارزشی ندارند. حالا ایندفعه ویدیو اومده بیرون وگرنه همیشه همین‌کارو می‌کنن»، «نمی‌شد جوجه‌ها را به روستاییان داد؟ شاید؟ نمی‌شد جوجه‌ها را به طعمه‌ها داد؟» اصلاً نمیشد در بیابان رهاسازی کرد طعمه سگ و شغال شوند؟ حتماً باید زنده به گور می‌کردند؟! بله چون اینجوری هم پول جوجه‌ها را از بیمه می‌گیرند هم قیمت بالا می‌ماند»، «نمیشد بپرن تو محله‌های تهران به بچه‌ها نفری یکی بدن بزنکشون کنن؟»، «با این تعداد جوجه می‌شد تمام خانواده‌های روستایی رو خوشحال کرد.»، «من هر سال عید به خاطر ماهی قرمز توی تنگ که بچه‌ها اصرار به خریدنش داشتن یک ماه دچار عذاب وجدان می‌شدم!»، «دیگر جوجه‌ها را آخر پاییز نمی‌شمارند ،اول بهار می‌کشند»، «می‌دانید علت این حرکت چیست؟ مرغداران محترم با توجه به بالا بودن هزینه دان و جوجه بسیاری از سالن‌های خود را خالی نگه داشته‌اند. دلان و واسطه‌گران قیمت جوجه را بالا نگه داشته‌اند تا کسی ترغیب به جوجه‌ریزی نشود. با مرغداری صحبت کردم گفتم چرا شش ماهه سالن مرغداریت خالی است و جوجه نریختی؟ گفت جوجه را باید دانه‌ای پنج هزار تومان بخرم. سوپا و ذرت و نهاده‌های دامی گران‌قیمت را بخرم آخر سر مرغ را کیلویی هشت هشت بفروشم. به راحتی سرمایه‌ام را در بانک می‌گذارم و بدون هیچ استرسی برای گذران زندگی سود بانکی می‌گیرم.»، «این جوجه‌های یک‌روزه جزو موجودات زنده محسوب می‌شن. به خدا کشتن این موجود کوچولو تاوان داره. اگر توانش رو ندارید چرا بیش از حد تولید کردید؟ یعنی هیچ راه حلی برای نگهداشتن این جوجه‌ها نیست؟ حتماً که نباید سگ و گربه باشه تا کسی بیاد حمایت. محیط زیست چی شد؟ هیچکس نمی‌خواد حرف بزنه؟»، «مدتی پیش مرغداران در یک کشور اروپایی در اعتراض جوجه‌های یک‌روزه رو در خیابان رها کردند. دیدن جوجه‌هایی که سرگردون در خیابان‌ها می‌دویدند آزاردهنده بود. از بدو تولدتون تا الان مرغ و تخم مرغ خوردید، نفهمیدید؟ در صنعت جوجه‌کشی، کشور ما رو می‌شکنند و ما را به دنیاهای جدید سوق صرفه اقتصادی نداره بهش میگن Chick culling.»